

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه بحث گذشته

همان گونه که در جلسات گذشته اشاره شد از آیات حرمت قتل نفس در قرآن نمی توان حرمت سقط جنین را استفاده نمود، اگرچه پذیرفتیم از زمان دمیده شدن روح، واژه «نفس» به آن اطلاق می شود، اما آیات «و من قتل نفساً بغير نفسٍ أو فسادٍ فی الأرض فکأنما قتل الناس جميعاً»^[1] شامل آن نمی شود.

اگر بگوئیم از بین بردن این جنین از ابتدا که نطفه است عنوان قتل نفس را دارد یا از زمانی که روح در او دمیده می شود به عنوان این که قتل نفس است، این عنوان «کأنما قتل الناس جميعاً» هم اینجا می آید و یک قبح بسیار شدیدی پیدا می کند و این آثاری است که بر این عنوان مترتب می شود، اما می خواهیم ببینیم آیا برای حرمت سقط جنین در قرآن آیات دیگری هم داریم که بتوانیم به آن آیات استدلال کنیم یا نه؟

دو دسته از آیات مربوط به ضرر

در قرآن در مورد ضرر دو دسته آیات وارد شده است:

دسته اول آیات

یک دسته آیات خبری است مانند:

1. «و إن تصبروا و تتقوا لا یضرکم کیدهم شیئاً»^[2] که خبر می دهد.

2. «أفتعبدون من دون الله ما لا ینفعکم شیئاً و لا یضرکم»^[3]

3. «أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا»^[4]

4. «و یتعلمون ما یضرهم و لا ینفعهم»^[5].

از این آیات می توان نتیجه گرفت که اشاره دارد به این که ضرر در ارتکاز عقلا یک امر قبیحی است و شارع نیز این ارتکاز عقلا را تأیید کرده است. عقلا می گویند سراغ چیزی که به شما ضرر می رساند نروید و عقلا ضرر رساندن را نمی پذیرند حتی در علم

«و يتعلمون ما يضرهم و لا ينفعهم»)، یک علمی که موجب ضرر است قبیح است. پس یک دسته آیات قرآن اشاره دارد که «أن الضرر قبیح عقلاً» و شارع نیز این را پذیرفته که از آن استفاده می‌کنیم که پس ضرر رساندن قبیح است.

دسته دوم آیات

یک سری از آیات انشائی است، مانند:

1. «لا تضارّ والدّة بولدها»^[6]، به مادر به سبب ولد نباید ضرر وارد کرد، «و لا مولود له بولده»؛ پدر به سبب ولدش نباید به او ضرر وارد شود.

2. خداوند متعال در مورد طلاق می‌فرماید: «اسكنوهنّ من حیث سکنتم من وجدکم و لا تضارّوهن لتضيقوا علیهن»^[7]؛ اگر زن‌هایتان را طلاق دادید همان جایی که خودتان سکونت می‌کنید در ایام عده، همان‌جا سکونت‌شان بدهید به مقداری که امکان دارد و به اینها ضرر نرسانید تا این‌که در اثر ضرر وارد کردن بخواهید تضییقی بر اینها وارد کنید و اینها ناچار شوند از این خانه بروند. در این آیه نهی است: «لا تضارّوهنّ»، این القای خصوصیت از این‌که در طلاق درباره زن نباید ضرر وارد شود چه به زن و چه غیر زن، چه در طلاق و چه در غیر طلاق، یک کبرای کلی می‌شود از آن استفاده شود.

3. «علیکم انفسکم لا یضرکم من ضلّ»^[8]، این جنبه انشائی است یا خبر در مقام انشاء است.

4. در آیه 282 بقره در مورد دین که احکام زیادی را بیان می‌کند می‌فرماید: «و اشهدوا اذا تبایعتم و لا یضارّ کاتبٌ و لا شهید»^[9]؛ وقتی معامله‌ای انجام می‌دهید شاهد بگیرید و این معامله‌تان نوشته شود، اما آن کاتب و آن کسی که شهادت بر معامله شما می‌دهد نباید به او ضرری وارد شود. این هم نهی از ضرر است که البته این مباحث در قاعده «لا ضرر» یک روایت است «لا ضرر و لا ضرار» که روی بعضی از مبانی ریشه‌اش به همین آیات قرآنی برمی‌گردد.

5. در باب وصیت خداوند می‌فرماید: «من بعد وصیّة یوصی بها او دین غیر مضارّ»^[10]، وصیت نباید ضرر به ورثه وارد کند؛ یعنی یک کسی وصیتی کند به قصد اضرار به ورثه، اینجا هم نهی است.

بنابراین وقتی آیات ضرر را در قرآن بخواهیم تقسیم‌بندی کنیم برخی به شکل اخباری است که به یک امر ارتکازی عقلایی اشاره دارد که در ارتکاز عقلا «الضرر ممنوع»؛ عقلا می‌گویند شما حق نداری به کسی ضرر وارد کنی به هیچ وجه، حتی اگر یک علمی ضرر داشته باشد آن علم ممنوع می‌شود. اگر یک علمی موجب شود که انسان تسلط و آگاهی پیدا کند بر اسرار دیگران، این یک نوع ضرر است و امنیت دیگران را انسان از بین می‌برد. لذا سحر و جادو هم یکی از جهاتی که محرم است همین است، اگر انسان علمی پیدا کند که بتواند تصرف در زندگی دیگران کند، اگر علمی پیدا کند بتواند آگاهی بر اسرار دیگران پیدا کند حرام است. برخی درباره هوش مصنوعی می‌گویند چنین تصرفاتی را ایجاد می‌کند؛ یعنی با هوش مصنوعی تصمیم یک انسان، حاکم و یا فرمانده را عوض می‌کنند. علمی که ضرر دارد عقلاً ممنوع و قبیح می‌دانند.

یک دسته آیات نیز نهی می‌کند مانند «لا تضارّوهنّ» یعنی به این زنهایی که طلاق دادید ضرر وارد نکنید، وصیت یا دین نباید موجب ضرر به ورثه باشد، به کاتب و شهید در معامله نباید ضرر وارد شود، یا در باب شیر دادن به ولد «و لا تضارّ والدّة بولدها» که از آن استفاده می‌کنیم که ضرر و اضرار ممنوع است.

حال باید دید که آیا می‌توان در ما نحن فیه این‌گونه استدلال نمود که این نطفه‌ای که الآن منعقد شده، وقتی کسی این را از بین برد یک ضرری وارد می‌شود. حال این ضرر یا بر خود این نطفه است یا بر صاحب این نطفه که مادر باشد و این ممنوع و قبیح و حرام است و از این راه اثبات کنیم که از بین بردن نطفه حتی در لحظات اولیه استقرار، مصداق برای ضرر رساندن به خود نطفه است یا اگر کسی در این هم تأمل داشته باشد لاقلاً مصداق برای ضرر رساندن به مادر است، یا ضرر رساندن به پدر است و آیات قرآن ضرر را تحریم و ممنوع می‌کند؛ به نظر می‌رسد این آیات می‌تواند این مدعا را اثبات کند.

البته برای نظر دادن به این‌که سقط جایز نیست، برخی از این فقها تا می‌گویند در قبل ولوج روح صدق قتل نفس نمی‌کند بلافاصله می‌گویند پس سقط جایز است، ما باید ببینیم آیات دیگر قرآن چه دلالتی دارد؟ این آیات مسئله ضرر به خوبی دلالت بر این دارد که این حرام است.

در روایات داریم وقتی کسی نطفه را از بین می‌برد، اگر مادر نطفه‌ای که در رحم خودش هست را از بین برد از دیه‌اش ارث نمی‌برد؛ چون این مادر او را کشته، ولی قتل النفس نیست. قتل النفسی که آیات قرآن می‌گوید: «كأَنما قتل الناس جميعاً» است.

بنابراین نظر ما این است که به آیات ضرر می‌توانیم بر حرمت سقط جنین استدلال کرده و بگوییم سقط جنین حرام است برای این‌که بر این بچه‌ای که در رحم مادر ضرر دارد یا بر پدر و مادر این بچه ضرر دارد؛ زیرا یک هبه‌ای است که خدا به این پدر و مادر می‌کند، فرق نمی‌کند فاعل این ضرر خود مادر باشد، دکتر باشد، پدر باشد یا نه، اینها فرقی نمی‌کند در حکم تکلیفی ولی در حکم وضعی‌اش فرق می‌کند. در حکم تکلیفی این صدق می‌کند که ضرر وارد می‌شود و می‌شود هذا حرام، لذا از این آیات به خوبی استفاده می‌شود.

بنابراین اگر از آیات ضرر استفاده کردیم سقط جنین حرام است، در بحث تراحم بین این و آنجایی که بگوئیم این مصداق قتل نفس محترمه است فرق پیدا می‌کند؛ یعنی اگر گفتیم از بین بردن جنین مصداق قتل نفس محترمه است، به این زودی‌ها چیزی نمی‌تواند با او مزاحمت کند، باید یک چیزی باشد که ملاکش اقوای از قتل نفس محترمه باشد، اما اگر گفتیم این قتل نفس محترمه نیست و یک حرمتی دارد در حدّ حرمت ضرر، همان طوری که بسیاری از امور می‌تواند با مسئله ضرر مزاحمت کند.

فرض کنید در تعارض بین ضرر و حرج برخی قائل‌اند که حرج مقدم است، اگر کسی بخواهد متحمل این ضرر نشود زندگی‌اش حرجی می‌شود، این قابلیت تراحم دارد، البته هنوز نمی‌شود بگوئیم حرج تمام شد چون باید آیات دیگر و روایات را دید تا نتیجه نهایی را بگیریم.

آیات ظلم از باب این‌که این کار ظلم به بچه است، یا ظلم به پدر و مادر است آیا حرام است یا نه؟ همچنین مسئله خیانت. اگر گفتیم از بین بردنش از باب ضرر بر این جنین حرام است، ممکن است یک ضرر اقوا با این مزاحمت کند، مثلاً مادر می‌گوید اگر این را از بین نبرم معلول می‌شوم، معلولیت مادر ضرری اقوای از آن است، می‌گوئیم مانعی ندارد، این بحث در بحث تراحم بسیار ثمره پیدا می‌کند، شما اگر گفتید از بین بردن این جنین قتل نفس محترمه است، مگر چیزی به این زودی می‌تواند با او تراحم کند؟ اما اگر گفتید نه، این از باب ضرر حرام است، اینجا قابلیت این‌که ضرری اقوی مزاحم او شود این قابلیت را دارد.

-
- [1] . سورة مائده، آيه 32.
 - [2] . سورة آل عمران، آيه 120.
 - [3] . سورة انبياء، آيه 66.
 - [4] . سورة انعام، آيه 71.
 - [5] . سورة بقره، آيه 102.
 - [6] . سورة بقره، آيه 233.
 - [7] . سورة طلاق، آيه 6.
 - [8] . سورة مائده، آيه 105.
 - [9] . سورة بقره، آيه 282.
 - [10] . سورة نساء، آيه 12.